

## تصوّر زنان از جسم خود و انتظارات مرتبط با آن

مریم مختاری<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناخت تصوّر بدنی از منظر انتظارات از زنان و انتظارات آنان در مناسبات میان زن و مرد است. به منظور دستیابی به این هدف، از روش پژوهش کیفی و استراتژی نظریه مبنایی استفاده شد. با بهره برداری از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۰ نفر از زنانی که در طی سال ۱۳۸۷ در شهر شیراز اقدام به جراحی زیبایی نمودند، مورد مصاحبه عمیق و دقیق قرار گرفتند.

تصوّر بدنی به عنوان ادراکات، احساساتی که افراد در مورد بدن و ظاهر خویش دارند اطلاق می‌شود. جهت دستیابی به نظریه مبنایی با روش تحلیل کدگذاری، ۱۸ مفهوم، ۵ مقوله فرعی و ۱ مقوله هسته تحت عنوان: "تصوّر بدنی دربرخورد با انتظارات موجود در مناسبات میان زنان و مردان" استخراج شد.

نتیجه نهایی این پژوهش آن است که تصوّر بدنی زنان از طرفی تحت الشعاع انتظارات ظاهرگرایانه مردان از زنان و از طرفی دیگر انتظارات برآورده نشده زنان برحسب تفکیک نامتعادل نقش‌ها بین زن و مرد و مشغله یابی در فضای بی‌مشغله، قرار گرفته‌است. در این راستا، تبلیغات رسانه‌ای (ماهواره) نیز هدایت‌کننده آنان به سمت جراحی زیبایی بوده است.

کلیدواژه‌ها: تصوّر بدنی، جراحی‌های زیبایی، انتظارات از زنان، تبلیغات رسانه، تفکیک نقش

دریافت: ۸۹/۱۲/۲۷ پذیرش: ۹۰/۲/۲۵

### مقدمه و بیان مسأله

جامعه‌شناسی بدن در طی چند دهه اخیر مورد توجه چشمگیر جامعه‌شناسان قرار گرفته است. از آنجا که بدن خصوصیتی است که همه افراد در یک جامعه دارا یند، می‌توان گفت هر فرد برخوردار از یک تصوّر بدنی<sup>۲</sup> است. این مفهوم، بخشی از مفهوم خودپنداره<sup>۳</sup> به شمار می‌آید. طبق نظر راجرز، خود پنداره به تصویری که فرد از خود دارد اطلاق می‌شود. "خود پنداره شامل ویژگی‌هایی است که فرد به عنوان موجود منحصر به فرد از خود ادراک می‌کند. خود پنداره از

[mokhtari1380@yahoo.com](mailto:mokhtari1380@yahoo.com)

<sup>۱</sup>- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

<sup>۲</sup>. Body Image  
<sup>۳</sup>. Self Concept

طریق روابط اجتماعی کسب می شود...شخص خود را بر اساس آنچه سایرین می پندارند، ارزیابی به عمل می آورند، نه بر اساس آنچه که خودش احساس می کند" (اتکینسون، ۱۳۸۰: ۱۰۰-۱۰۱) و اما گروگن<sup>۱</sup> تصوّر بدنی را این گونه تعریف می کند: " تصوّر بدنی به ادراکات، احساسات و تفکرات فرد درباره بدنش مربوط می شود و معمولاً به عنوان تخمین اندازه بدن، ارزیابی میزان جذابیت و احساسات مربوط به شکل و حجم آن، مفهومی شده است" (Grogan, ۲۰۰۶: ۵۲۴).

این مفهوم سازه‌ای پیچیده به شمار می آید که دارای دو بعد اصلی است شامل: سرمایه تصوّر بدنی و ارزیابی تصوّر بدنی. سرمایه تصوّر بدنی درجه اهمیت رفتاری و شناختی را منعکس می کند که مردم به بدن و ظاهرشان منتسب می دانند. اما ارزیابی تصوّر بدنی به درجه رضایت و عدم رضایت از بدن و ظاهرشان مربوط می شود (Cash & Pruzinsky, ۲۰۰۲: ۵۱۰). زنان و مردان در جامعه حامل تصوّر بدنی اند که در اینجا تصوّر بدنی زنان در پیوند با یکی از عناصر اجتماعی یعنی انتظارات اجتماعی که با آن مواجه اند، مورد توجه قرار می گیرد.

## ۲-۱- طرح مسئله و اهمیت پژوهش

نیازهای انسانی در هر برهه از زمان موجد انتظاراتی می شود که با پاسخ گفتن به انتظارات، هر فرد نیاز خود را ارضاء شده می یابد. از جمله این انتظارات، می توان به انتظارات از زنان و انتظاراتی که زنان برای رفع برخی از نیازهایشان دارند، اشاره کرد.

پژوهش‌های بسیاری حاکی از آن است که زنان ظاهر فیزیکی خود را آن گونه که هست نمی پذیرند. نتلتون<sup>۲</sup> می گوید "زنان تلاش‌های زیادی برای اصلاح ظاهرشان انجام می دهند که این ممکن است مربوط به لباسی که می پوشند و یا رنگ موهایشان، آرایش‌های مورد استفاده و نظایر آن باشد. از طرفی دیگر ظاهر شدن پیری، در جامعه معاصر منبع تنش شده که با از دست دادن منزلت همراه شده است" (Nettelton, ۱۹۹۸: ۱۸). همچنین در گزارشی به نقل از نائب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس آمده است که ایران رتبه اول جراحی‌های زیبایی را در جهان داراست" (عسکری، ۱۳۸۵)

حال، این مسئله مطرح می شود که آیا تصوّر بدنی زنان مرتبط با انتظارات از زنان و یا انتظارات دردنیای زنانه است؟ اینکه زنان تحت چه انتظاراتی در مناسبات بین خود و مردان قرار دارند که به

---

<sup>۱</sup>. Grogan, Sara  
<sup>۲</sup>. Nettelton, Sara

جراحی‌های زیبایی راغب‌اند؟ چرا که انتظاراتی که افراد از یکدیگر دارند و یا هر فردی از محیط اطراف خود دارد، بی‌پاسخ نمی‌ماند و با بروز رفتارهایی در این‌باره متقابل می‌شود. زنان به عنوان یک قشر اجتماعی، از یک سو با انتظارات مردان مواجه‌اند و از سوی دیگر بر حسب شرایط اجتماعی و یا برخوردها در روابط اجتماعی دارای انتظاراتی‌اند که خواهان برآورده شدن آن هستند. حال، شناخت این‌که چگونه این انتظارات می‌تواند تصوّر بدنی آنان را تحت الشعاع قرار دهد، دارای اهمیت است. این موضوع، به خصوص در نتیجه تغییرات اجتماعی درباره جایگاه و موقعیت زنان اهمیت می‌یابد.

#### ۴-۱- هدف پژوهش

هدف از اجرای این پژوهش، ارائه نظریه مبنايي<sup>۱</sup> درباره کشف و فهم فرایندهایی از انتظارات اجتماعی در مناسبات میان زنان و مردان است که در ارتباط با پندار بدنی زنان، در شهر شیراز قرار گرفته است. و اما اهداف جزئی این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- انتظارات مردان از زنان که مرتبط با شکل‌گیری تصوّر بدنی زنان است، چگونه می‌باشد؟
- ۲- آیا تصوّر بدنی زنان در پیوند با انتظارات آنان از موقعیت و شرایط زندگی خود به عنوان زن است؟
- ۳- راهبردهای کنش/کنش متقابل مربوط به تصوّر بدنی زنان، در نتیجه نوع انتظارات موجود، چگونه است؟
- ۴- پیامدهای انتظارات موجود که موجد تصویر بدنی برای زنان است، چیست؟

#### ۲- مطالعات پیشین

موضوع تصوّر بدنی زنان در سطح تحقیقات بین‌المللی، موضوعی نسبتاً جدید است. با عنایت به جدید بودن موضوع حاضر، در ایران تحقیقات اندکی در این باره صورت گرفته‌است. پژوهش‌های انجام گرفته در ایران به طور مستقیم در ارتباط با حوزه تصوّر بدنی زنان و انتظارات از زنان، انجام نگرفته است. از جمله پژوهش‌های انجام گرفته در این باره "ویژگی‌های شخصیتی داوطلبان انجام جراحی زیبایی" توسط ساروی و قلعه‌بندی (۱۳۸۳)، "دختران جوان و تصویر ذهنی از بدن" توسط سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳)، "دختران جوان و دغدغه تناسب اندام" توسط سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴)، "بررسی جامعه‌شناختی آرایش و جراحی‌های زیبایی شهر تهران" توسط آقایاری

---

<sup>۱</sup>. Grounded Theory

(۱۳۸۴)، "زنان و فرهنگ بدن، عوامل مؤثر بر گرایش به جراحی‌های زیبایی" توسط فرزانه (۱۳۸۵) است. دربرخی از این پژوهش‌ها به توجه به ظاهر و زیبایی زن به عنوان انتظارات مردم در روابط اجتماعی اشاره شده است.

علاوه بر تحقیقات داخلی، تحقیقات خارجی نسبتاً زیادی دربارهٔ تصوّر بدنی صورت گرفته‌است که مشابهت زیادی با یکدیگر داشته‌اند. از جمله تحقیقات خارجی انجام گرفته، می‌توان به این موارد اشاره کرد: "مطالعه کیفی تصوّر بدنی زنان همجنس‌گرا" توسط جن فیو<sup>۱</sup> (۲۰۰۰)، "ایدئال لاغری: نقش انتظارات مثبت و منفی" توسط هولووی<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، "نشانه یا راه‌حل؟ معنای متعارف جراحی زیبایی برای زنان" بیکر-پیتز<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، "تجربه‌ای برای بدن مدرن، استفاده از جراحی زیبایی توسط زنان چینی" توسط لائو<sup>۴</sup> (۲۰۰۸).

در نقد تحقیقات انجام شده می‌توان گفت که هرچند در این تحقیقات به نقش انتظارات اجتماعی در توجه به بدن اشاره داشته‌اند، اما هیچ یک از آنها به موضوع انتظارات در مناسبات میان زن و مرد اشاره نکرده‌اند.

### ۳- چپستی انتظارات اجتماعی

بر حسب ویژگی‌های مختلف افراد در صحنهٔ اجتماعی، انتظارات گوناگونی نسبت به یکدیگر پدید می‌آید. یکی از این ویژگی‌ها، جنسیت است. در بحث چپستی انتظارات اجتماعی، شناخت حالات انتظار اهمیت دارد. "حالات انتظار<sup>۵</sup> دلالت بر چشمداشت‌هایی پایدار برای رفتار آتی یک کنشگر در ارتباط با کنشگر دیگر دارد. اگر چه گزارش کنشگران از انتظارات شخصی به اندازهٔ گزارش خودشان از انتظارات دیگران، تا حدی به سمت خطا میل دارد، با این حال افراد به گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی با مجموعه‌ای از انتظارات انطباق یافته‌اند" (Turner, ۱۹۹۸: ۴۵۳).

در صحنهٔ اجتماعی که در آن انتظارات افراد از یکدیگر شکل می‌گیرد، حالات انتظار رخداده، منبعث از منابعی پراکنده در جامعه است. "حالات انتظار از انواع منابع گوناگون نظیر ارزیابی از انجام وظایف در طی کنش، تخصیص پاداش‌های مادی و سمبلیک، فعال شدن تفاوت‌های موجود در قدرت و پرستیژ افراد و ارزیابی از عدالت و تساوی.... پدید می‌آید. حالات انتظار، اطلاعات را به صورت تصویری منسجم یا تعریفی از موقعیت سازمان ارائه می‌دهد. این تصویر فرد را قادر می‌سازد که رفتارهایی را برگزیند که برای آن موقعیت مناسب‌اند و از رفتارهای غیر آن اجتناب ورزد. به

<sup>۱</sup>. Jean few, Nora

<sup>۲</sup>. Holloway, Hanna

<sup>۳</sup>. Baker-Pitts, Catherine

<sup>۴</sup>. Luo, wei

<sup>۵</sup>. Expectation State

علت اینکه این رفتارها عموماً سازگار با تعاریف ارائه شده از موقعیت‌اند، بنابراین گرایش به تقویت انتظارات مستقر دارند" (Turner, ۱۹۹۸: ۴۵۳).

بر این اساس، موضوع انتظارات در مناسبات میان مرد و زن، حالات انتظار با منابع ایجاد کننده این حالات می‌تواند در شکل‌گیری تصوّر بدنی زنان مؤثر واقع شود.

#### ۴- روش پژوهش

روش پژوهش، روش کیفی با اتکاء به استراتژی نظریه مبنایی است. گلیزر و اشترواس معتقدند نظریه مبنایی روش استقرایی است که از داده‌هایی که به طور منظم از پژوهش اجتماعی بدست آمده است، نظریه تولید می‌کند (گلیزر و اشترواس، ۱۹۶۷: ۳).

عموماً متخصصان زیبایی بر این عقیده‌اند که بهتر است جراحی‌های زیبایی در فاصله سنی ۱۸ - ۳۵ سال صورت‌گیرد تا نتیجه جراحی با تغییرات بدنی سازگار باشد. بر این اساس، مشارکت‌کنندگان در پژوهش زنان ۱۸-۳۲ ساله‌ای بودند که در شهر شیراز اقدام به جراحی زیبایی کرده‌اند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند<sup>۱</sup> استفاده شد و بر حسب اشباع نظری، مصاحبه با ۲۰ نفر، کافی به نظر آمد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. این افراد در فاصله سنی بین ۱۸ - ۳۲ سال قرار داشتند. از بین آنها ۶ نفر متأهل و میزان تحصیلاتشان از دیپلم تا لیسانس بود.

ابزار تحلیلی مورد استفاده در تحلیل داده‌ها "پارادایم" است. این ابزار تحلیلی بر شرایط، کنش/کنش متقابل و پیامدهای رخداد پدیده توجه دارد. با استفاده از این ابزار، نهایتاً نظریه مبنایی درباره موضوع مورد پژوهش به دست آمد. شیوه تحلیل از طریق کد گذاری مصاحبه‌ها بود که در سه مرحله کد گذاری باز، محوری و انتخابی، به خلق مفاهیم و مقوله‌ها منجر شد.

قابلیت اعتماد پژوهش حاضر از سه تکنیک ممیزی، مقایسه‌های تحلیلی و بررسی توسط اعضا استفاده شد. به این صورت که مفاهیم خلق شده به برخی از صاحب‌نظران نشان داده شد، در تکنیک دوم، مقایسه ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام صورت گرفت و در نهایت در شیوه بررسی توسط اعضا، از شرکت‌کنندگان خواسته ساختن شد تا مضامین و مقوله‌ها را ارزیابی کنند و در مورد صحت آنها نظر دهند. در هر سه روش، قابلیت اعتماد پژوهش اجرا شده نشان داده شد.

---

<sup>۱</sup>. Purposive

## ۵- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، محورهای مصاحبه حول انتظارات از زنان و یا انتظاراتی که زنان، خود از زندگی دارند، در ارتباط با اقدام به جراحی زیبایی آنان ترسیم شد. عمده‌ترین محور مصاحبه که اکثر مصاحبه‌ها با آن آغاز شد عبارت بود از "دقت که می‌کنید، فکر می‌کنید به عنوان یک زن چرا اقدام به جراحی زیبایی کرده‌اید؟". و یا اینکه "فکر می‌کنید مردها از شما به عنوان یک زن بیشتر چه نوع انتظاراتی دارند؟".

در این راستا برخی از شرکت‌کنندگان به فشار رسانه‌ها (ماهواره) در اقدام به جراحی خویش اشاره داشته‌اند. بر اساس تحلیل انجام‌گرفته، در مرحله کدگذاری باز، ۱۸ مفهوم از این مصاحبه‌ها استخراج شد. طی کدگذاری محوری و از بررسی دقیق‌تر و اتصال بین مفاهیم، ۵ مقوله فرعی و ۱ مقوله هسته به دست‌آمد که در ادامه همراه با نمونه صحبت‌های این شرکت‌کنندگان توضیح داده می‌شود.

مقوله‌های کشف شده از تحلیل مصاحبه‌ها شامل ۱- انتظارات مردان از زنان به عنوان فشار، ۲- تفکیک نامتعادل نقش‌ها، ۳- مشغله‌یابی در فضای بی‌مشغله، ۴- ضعف خودباوری زنان ۵- فشار رسانه‌ها بوده‌است.

### ۱-۵- انتظارات مردان از زنان به مثابه یک فشار

انتظارات مردان از زنان به عنوان فشار، مقوله‌ایست که مفاهیمی چون خواست تسلیم‌گونه همسر از زن، ارتباط همسر با ظاهر و زیبایی زن، خواست تماس با جنس لطیف و اولویت زیبایی دختر نسبت به خانواده وی، در این رابطه استخراج شد.

زنان متأهل با حالت گلایه‌گونه، نقش نوعی تسلیم همسر از زن را در گرایش تدریجی به سمت جراحی زیبایی به بحث گذاردند.

مینا در این باره می‌گوید:

"بله من می‌تونم بگم به عنوان یک زن، تصمیم به جراحی گرفتم. من یک زنم، زنی که توی رابطه با شوهرش از اون انتظار می‌ره، اونطور که مرد می‌خواد رفتار کنه. مردها بیشتر از زن انتظار دارن که بله قربان گوی آنها باشن. خونه مرتب باشه و به خودشون برسن، در همین حد. خب این انتظارها یعنی چی؟ یعنی این نمی‌تونه مشوق برای جراحی من باشه؟ قطعاً بوده."

این گفته گلایه‌گونه مینا حاکی از تأثیری است که رفتار همسر در پیدایش عدم رضایت از بدن، داشته‌است. به گونه‌ای که انتظار مرد زن را به وادی تفکر راجع به بدن سوق می‌دهد.

مهمین نیز که به اصرار شوهر خود اقدام به جراحی زیبایی نموده، در این باره چنین گفته‌است:

"من در وهله اول چون متأهل هستم، هم رفتارهای شوهرم مؤثر بوده و هم این اواخر خودش هم می‌گفت که عمل کنم. شوهرم دوست داره من اونطور باشم که اون می‌خواد. چه در رفتار و چه در ظاهر. او می‌گفت بینیت کمی بزرگه برو عمل کن. چون اون دوست داشت، مصمم شدم برای عمل. وگرنه هم مشکلاتش زیاد بود، هم ریسک داشت."

در حقیقت به اعتقاد آنان، مردان خواهان همسری‌اند که نه در کنار آنها بلکه تابع آنها باشد. این تبعیت نیز جنبه های گوناگون فکری، کاری و ظاهر آرایبی را دربر دارد.

خواست همسر به عنوان فشار، همواره با نوعی تسلیم همراه نیست. ارتباط همسر با ظاهر و زیبایی زن، دیگر مفهوم به دست آمده است که تعدادی از شرکت کنندگان به آن اشاره داشته‌اند. سمیه هرچند مجرد بوده است اما در این باره می‌گوید:

"بله معلومه که من به عنوان یک زن می‌یام عمل می‌کنم. وگرنه اگه مرد بودم فکر نمی‌کنم این کار را انجام می‌دادم. از من بیشتر این جور انتظارا می‌ره. برادر من وقتی می‌خواهیم برایش بریم خواستگاری، می‌گه من یک دختر خوشگل می‌خوام. همین روی آدم اثر می‌گذاره، که اگه من بخوام ازدواج کنم پس باید خوشگل باشم در وهله اول."

زیبا به خواست همسرش در اقدام به جراحی زیبایی این گونه اشاره می‌کند:

"اصلاً در واقع من به خاطر شوهرم هست که جراحی کردم. بیشتر خواست اون بود. خودش برام نوبت دکتر گرفت. دوست داشت چهره‌ام تغییر کنه و یک تنوعی باشه برایش. کلاً این روزها مردها دوست دارن زن یکنواخت نباشه و به ظاهر خودش توجه داشته باشه. منم دوست داشتم با این عمل خوشگل تر بشم".  
لیلا و اسماء هر دو در صحبتی مشابه به نکته جالبی در این زمینه اشاره نموده‌اند که در ادامه صحبت لیلا آورده می‌شود. وی می‌گوید:

"دقیقاً زن که باشی می‌ری سراغ اینجور جراحی‌ها که یک علتش فکر می‌کنم مردا با انتظاراتشون هست. مردها موقعی که می‌خوان دختری را انتخاب کنن اول به ظاهر توجه دارن. همین، رو رفتار ما دخترا اثر داره. بیشتر دوست دارن طرفشون زیبا باشه. آخه چون مردها خشن هستن، دوست دارن با جنس لطیف باشن تا لذت بیشتری ببرن. چون مردها زن را جنس لطیف می‌دونن. البته واقعاً هم هست."

جنس لطیفی که می‌تواند خستگی‌های کاری و مشغله روزمره را از مردان دور کند، نوعی از انتظار مرد از دید زنان مورد مطالعه است که در تصور آنان نسبت به بدن خویش مؤثر بوده‌است.

اولویت زیبایی دختر نسبت به خانواده وی مفهوم استخراج شده دیگر در این باره است.

صحبت‌های مریم و ساناز در این راستاست که صحبت مریم در این باره این گونه است:

"من می‌گم توجه مردها به ظاهر طوری هست که حتی توی انتخاب همسر، در وهله اول به زیبایی طرف کار دارن. قبلاً یک دختر تو خانواده پدرش بود تا یکی با شناخت خانواده بیا خواستگاریش. اما الان دختر تو جامعه هست و مهم اینه که از نظر ظاهری یک ظاهر مطلوب داشته باشه. اینکه دختر کی باشی خیلی مهم بود. الان بیشتر مهم خوشگلی و زیبایی خود دختر هست."

به این ترتیب معیار انتخاب همسر مردان به مانند بخشی از انتظارات آنان به شمار می‌آید که به اعتقاد تعداد زیادی از شرکت کنندگان، زن را در موضع انتخاب شدن خویش تحت تأثیر قرار می‌دهد.

## ۲-۵- تفکیک نامتعادل نقشها

تفکیک نامتعادل نقشها مقوله حاصله دیگری از مصاحبه‌های انجام گرفته است. به طور کلی تفکیک نقشها مقوله‌ایست که افراد در روابط اجتماعی به طور مستقیم درک نمی‌کند، بلکه سیال یافته در جامعه بوده است که از طریق عرف، مقررات و آموزهای دینی، توسط کنشگران اجتماعی به اجرا درمی‌آید.

اشاره به محدودیت حق و حقوق زنان و محدودیت نقشها و مسئولیت‌های زنانه، عدم احساس ضرورت کار برای زنان، مفاهیم استخراج شده پیرامون تفکیک نامتعادل نقشها بوده‌است. تفکیک نامتعادل نقشها به نوبه خود در سوق دادن زن به برجسته‌سازی اهمیت بدن و ظاهر در زندگی تأثیرگذار بوده‌است.

به اعتقاد آنان قائل شدن وظایف معیشتی برای مردان، زن را حتی اگر شاغل باشد از دغدغه تأمین معاش زندگی باز داشته است و نقش او را در اداره زندگی محدود می‌سازد. به طوری که اختصاص این نقش به مرد در عرف و قانون، زن را فارغ از این دغدغه، به سمت تلاش‌های ظاهرگرایانه سوق می‌دهد. زن احساس می‌کند که وظیفه کمتری بر عهده داشته است و در نتیجه اقدام به جراحی و توجه به بدن را برای خویش، توجیه می‌کند.

ساناز و مریم که هر دو مجرد بوده‌اند به نداشتن دغدغه درباره موضوعات مالی اشاره داشته‌اند. در ادامه صحبت ساناز در این باره آورده می‌شود:

"دختر بودن طبیعتاً تونسته روی این تصمیم من اثر داشته باشه. مثلاً زن شاغل پولشو بیشتر صرف مانتو و لباس و تغییر چهره می‌کنه. مگه یک زن چه کاری داره که نخواد به خودش برسه. منم الان که مجردم، بعداً هم شوهرم خرجم را می‌ده. از این لحاظ فکر می‌کنم اون پولی که خانواده می‌تونه به من بده یا من خودم کار کنم و به دست بیارم، راحت تر می‌تونم اون چیزی که دوست دارم را باهاش بخرم. ولی اگه پسر بودم خب خیلی بیشتر باید به فکر آینده‌ام بودم که پس انداز داشته باشم".

در حقیقت، امروزه بر حسب تغییرات اجتماعی، بسیاری از زنان نقش‌های شغلی را در بیرون از خانه پذیرا شده‌اند و توان مالی مستقل دارند. این توان مالی در کنار محدودیت نقش‌های تعریف شده برای زنان در تأمین معاش خانواده، موضوعی است که الگوی مصرف زنان را سمت و سو بخشیده‌است.



از بین مشارکت‌کنندگان شاغل و متأهل، صحبت مرضیه به خوبی حاکی از تفاوت در برنامه‌ریزی برای خرج درآمدهاست:

"من شاغل هستم و درآمدی که ماهیانه دارم البته خیلی از اونو توی خونه خرج می‌کنم. کمک خرج خونه هستم. اما من معتقدم زنی که کار می‌کنه، حقشه که بیشتر به خودش برسه و خرج خودش کنه. آخه تأمین درآمد خونه به عهدهٔ مرد است و وظیفه من نیست. اینطوری حتی به شوهرم لطف دارم. وگرنه می‌تونم پولم را هیچ توی خونه خرج نکنم. جراحی هم که کردم با پول خودم بوده که پس انداز کردم".

بر حسب آنکه در عرف وظیفه زن خانه‌داری است، زن مسئول امور خانه و مرد مسئول امور بیرون از خانه است. به اعتقاد برخی از شرکت‌کنندگان این تفکیک نقش‌ها به ارزیابی از وظایف آنان منجر شده‌است و در نتیجه زن وظیفهٔ خود را کم ارزش‌تر و ساده‌تر از نقش مرد تلقی می‌کند. با این ارزیابی است که زن خانه‌دار در انجام دادن کار خانه‌داری خویش فرصت مناسب جهت توجه به ظاهر و اجرای جراحی‌های زیبایی را به دست می‌آورد.

صبا با دیدی انتقادی از این وضعیت می‌گوید:

"من واقعاً دوست دارم تو ادارهٔ زندگی خیلی نقش داشته باشم. اما تو جامعهٔ ما وظیفهٔ زن را خانه‌داری تعریف کردن. همین باعث شده زن هم بیشتر دورور خودشون باشن. البته پول زن را که کار می‌کنه می‌خوان، نه اینکه نخوان. اما هر موقع که مرد دوست داشت می‌تونه بگه نمی‌خواد بری سر کار. برای همین هم فکر می‌کنم زیاد فکر آینده بودن برای من اهمیت نداره. الان تو فامیل ما اکثراً خانم‌ها جراحی کردن. با اینکه بینی خیلی از آقایون فامیلون هم بزرگه. خانم‌ها ترجیح می‌دن پولشونو صرف این چیزها بکنن".

با کاهش احساس مسئولیت در زندگی، زن برخی مسئولیت‌های زندگی را وانهاده به مرد دانسته و خود را از شراکت در مسئولیت‌های خطیر زندگی و به خصوص تأمین هزینه‌های آن، بی‌تکلیف می‌یابد. به گونه‌ای که زن وقت زیادی در صرف اموری چون توجه به ظاهر و در نتیجه انجام دادن جراحی‌های زیبایی می‌یابد.

فاطمه، مهین و سمانه سه مشارکت‌کنندهٔ خانه‌دار و متأهل بوده‌اند که در طی صحبت مشابه، بیشتر نگران زندگی خانوادگی خویش بوده‌اند، کار بیرون از خانه را برای خود مشکل و دردسر می‌دانستند و در عوض توجه به ظاهر خود را یک الزام برشمرده‌اند.

فاطمه با عدم اطمینانی که به همسر خویش داشته، توجه به ظاهر خویش را این‌گونه بیان کرده‌است:

"البته من معتقدم زن و مرد کارهایی که باید در قبال هم انجام بدن، متفاوت است. قبلاً خیاطی می‌کردم، گذاشتم کنار. دوست دارم به خونه و شوهر و خودم برسم. آخه دیدم زنی که مشغول کار بوده، زندگیش از هم پاشیده. فکر می‌کنم ارزش نداره به خاطر پول، بیرون از خونه کار کنم. زن ظرفه و ضعیف. کار وظیفهٔ مرده. در عوض وظیفهٔ زن بیشتر ایجاد آرامش برای مرد هست. خب منم تو خونه کاری ندارم و به این فکر می‌کنم که چطوری ظاهرم را تغییر بدهم. همون‌طور که من انتظار دارم شوهرم من و

بچه‌ام را از نظر مالی تأمین کنه، اونم انتظار داره من به خودم برسیم و خوشگل باشیم. جراحی زیبایی هم  
خب برای همین کار هست دیگه".  
در حقیقت عدم اطمینان به وجود آمده در پیوند با انتظارات در مناسبات میان زن و مرد بوده‌است.

### ۳-۵- مشغله‌یابی در فضای بی‌مشغله

بر حسب تفکیک نقش‌ها و سطح انتظارات از زنان، برخی از مشارکت‌کنندگان نقش‌ها و  
مسئولیت‌های خود را محدود شده می‌یابند و به دنیای ظاهرگرایانه روی می‌آورند.  
در کنار مباحث مذکور که به نوعی سازش و انطباق زن با انتظارات موجود را نشان می‌داد، نوعی  
جایگزین برای شرایط موجود که حاکی از انتظارات بایسته برآورده نشده از دیدگاه زنان است، در  
مصاحبه‌ها مشاهده می‌شد. به این معنی که اقدام به جراحی زیبایی و به طور کلی توجه به ظاهر و  
بدن خویش را در نهایت نوعی جایگزین و مشغله‌یابی در شرایطی که وظیفه و مسئولیت خاصی بر  
عهده ندارد، برشمرده‌اند.

در واقع، زنان با برجسته نمودن اهمیت مشاغل بیرون از خانه در برابر شغل خانه‌داری، موقعیت  
اجتماعی خویش را پایین ارزیابی نموده‌اند و به نوعی، انتظارات برآورده نشده‌ای در این باره داشته‌اند.  
این وضعیت برای آنان دلگرم‌کننده نبوده‌است و بر حسب شرایط موجود، توجه به ظاهر را، راهی  
جهت گریز از این وضعیت دانسته‌اند.

گریز از بیکاری، درجست و جوی سرگرمی بودن و جبران کمبودهای زندگی و رهایی از  
افسردگی، مفاهیمی است که به عنوان مشغله‌یابی در فضای بی‌مشغله از مصاحبه‌ها استخراج شد.  
لیلا با اشاره به پایین بودن موقعیت کلی زنان در برابر مردان، توجه به ظاهر و دستکاری بدن را  
نتیجه این موقعیت و گریز از آن دانسته‌است و می‌گوید:

"زن‌ها به لحاظ موقعیتی، موقعیتی پایین‌تر از مردان دارن. مردها بیشتر تو اجتماع هستن و دنبال کار و  
ذهنشون روی کار می‌ذارن، چون موقعیت مناسب‌تری دارن. ولی زن‌ها تو خونه هستن و کار خاصی ندارن.  
می‌شینن فکرهای جور واجور می‌کنن. مردها خیلی سرگرم کارشون هستن. اما زن‌ها، از طریق سیاست  
بازی کارهاشون را پیش می‌برن. اگه با مردا حق و حقوق برابر داشتن دیگه نیازی به سیاست بازی نبود.  
یکی از این سیاستها هم توجه به زیباییه که کمبودها را تا حدی جبران می‌کنه".

مهسا، مزده، فرزانه و مرجان شرکت‌کنندگان مجردی که برای گریز از بیکاری در کنار سایر  
علت‌های انجام دادن جراحی خویش اشاره کرده‌اند.

مهسا به عنوان کسی که تازه فارغ التحصیل دانشگاه بوده، صحبت‌های خود را این‌گونه ادامه داده‌است:

" این وضعیت بیکاری برای من خیلی کسل کننده است. من خودم تا زمانی که درس داشتم، سرگرم درسم بودم. حالا که درسم تموم شده بیشتر توجهم به ظاهرمه. می‌گم برم فلان مانتو را بخرم. بروم فلان جراحی زیبایی و.....البته درسته که بیکاری برای خیلی از جوونها هست و پسر و دختری هم نداره ولی برای خانمها محدودیتش بیشتره. چون راحت به خانمها می‌تونن بگن نمی‌خواد بری بیرون خونه کار کنی".

مژده ۱۹ ساله در دلایل خود به سرگرم شدن اشاره داشته‌است:

"من عادت کردم وقت آزادمو جلو آینه بروم. همین حساسیت منو بیشتر کرده. یک موقعی جلو آینه می‌رم و خودمو نگاه می‌کنم که صورتم اگه چاق‌تر بشه بهتره. یا بینی‌ام کوچک‌تر باشه چی می‌شه. مثل یک سرگرمی".

فرزانه نیز به نقش بیکاری اشاره داشته‌است. وی در این باره می‌گوید:

"بیکاری هم خیلی بده. باعث می‌شه هزار جور فکر به سر آدم بزنه. من قبلاً دوست پسر داشتم. مدام کارم شده بود برم بیرون دنبال دوست پسر، وقتم را بیخودی تلف کنم. یا همین جراحی به خاطر جلو آینه وایسادن طولانی بود. ولی از موقعی که رفتم سر کار، دور این مسائل را خط کشیدم. چون وقت ندارم. یعنی دیگه از اون بلا تکلیفی رها شدم و چیزهای بهتری منو ارضا می‌کنه".

مرجان نیز با نارضایتی از وضعیت موجود دربارهٔ جوانان به طور کلی و زنان به طور اخص در صحبت‌های خویش، در پاسخ به این سؤال که "چقدر جراحی که انجام داده‌اید را ارزشمند می‌دانید؟"، به روشن نبودن وضعیت شغلی و جایگاه اشاره داشته‌است:

"خیلی هم ارزشمند نیست. یک مدت کوتاهی برام جالب بود. حالا داره عادی می‌شه. خیلی عادی. من فکر می‌کنم کارهای مهم‌تری اگه داشتیم زیاد هم وقت صرف این کار نمی‌کردیم. آخه الان خیلی از جوونهای ایرانی کار درست و حسابی ندارند. می‌شینن دور هم و راجع به تیپ و ظاهر می‌گن. چون وضعیت روشنی ندارند که دنبالش برن".

وی که نگاهی انتقادآمیز داشته، در ادامه به جبران کمبودهای زندگی زنان اشاره نموده‌است:

"من خودم الان شاغلم. اما یک شغلی که مقدار کمی درآمد دارم و می‌تونم خرج همین کارهای روزمره و یا این کاری که انجام دادم بکنم. فرصت یا امکان برای کار دیگه‌ای نیست. اما واقعیت اینه، موقعی که مدرک گرفتی و کار نداری می‌ری سراغ این کارها. مثلاً من زحمت کشیدم و مدرک گرفتم، بعد جامعه منو کنار گذاشته. این می‌شه علافی و عدم انگیزه. باعث می‌شه که این فکر به سرت بزنه که مثلاً ظاهر خودتو تغییر بدی. یعنی نه درست و حسابی دنبال حق و حقوقمون هستیم و نه کار درست و حسابی داریم. همین روی خواسته‌ها و رفتارها اثر می‌ذاره".

زیبا به عنوان مشارکت‌کنندهٔ متأهل، به رهایی از یکنواختی در زندگی نیز اشاره داشته‌است:

"واقعیت اینه که من جراحی زیبایی را تا حدی ارزشمند می‌دونم، حالا که تجربه‌اش کردم. ولی خب شما نگاه کنید. من که کار خاصی توی خونه ندارم و از طرفی شاغل هم نیستم، نیاز دارم به یک سرگرمی یا

نه؟ باور کنید این کار بیشتر یک نوع سرگرمیه. وگرنه ظاهره بعد از یک مدتی عادی می‌شه. من بیشتر وظیفه خودم را خونهداری و بچه‌داری می‌دونم و اینکه به خودم برسم. اینها هم وقت زیادی نمی‌خواد. زنها تو جامعه ما خیلی وضعیت مناسبی ندارن. مخصوصاً زن خانه دار. کارها یکنواخت هست و خسته‌کننده. این افسردگی می‌یاره. توجه به ظاهره تا حدی می‌تونه از این تنش‌ها کم کنه."

مینا دیگه شرکت کننده متاهل نظر مشابهی داشته‌است. وی می‌گوید:

"ما زنها مگه چه کاری داریم که نریم جراحی کنیم یا حالا فکر کنیم که چقدر ارزشمند هست. زنها کار خاصی ندارن. زن بیشتر کارش توی خونه ایستادن جلو آینه هست و خریدهای کوچک و بچه‌داری. هم وقت زیادی دارن برای توجه به ظاهره و هم خودش این زندگی را از حالت یکنواختی بیرون می‌یاره. من واقعاً هم از زندگی یکنواخت خسته شده بودم. این اواخر هم قبل از اینکه عمل کنم یک مدت افسرده شده بودم به خاطر مشکلات زندگی‌ام. این جراحی برای روحیه‌ام خوب بود."

در واقع اقدام به جراحی تسکینی جهت مقابله با مشکلات وی بوده است و این تدبیری است که برخی زنان در مبارزه با مشکلات برمی‌گزینند.

#### ۴-۵- ضعف خودباوری زنان

تأکید بر ضعف خودباوری می‌تواند پیامد انتظارات موجود از زنان تلقی شود. به گفته برخی از مشارکت‌کنندگان، ضعف خودباوری زنان را از توجه کافی به امور اجتماعی و موفقیت‌های برتر دور نگه داشته‌است.

عدم وقوف به ارزش‌های دورنی، نکته‌ایست که برخی از شرکت‌کنندگان در درد دل‌های خویش از دنیای زنانه اظهار داشته‌اند که به موجب آن معتقد بودند بر اعتماد به نفس اثرگذار است. به عنوان نمونه مهسا در کنار اشاره به بیکاری و گریز از آن، به ضعف خودباوری نیز اشاره داشته‌است. وی می‌گوید:

"من معتقدم که اگه مردها خیلی رفتارشون با خانمها اونطور که باید محترمانه نیست، این به خود ما هم برمی‌گرده. زنها کلاً خیلی خودشونو پایین می‌گیرن. اگه ما سعی کنیم هر چند که مردها ما را باور نداشته باشن تو خیلی کارها مصرّ باشیم که خودمون را نشون بدیم، دیگه دنبال چیزهای زودگذر خوشحال‌کننده کمتر می‌ریم. چون دیگه نیازی خیلی بهشون نداریم. چرا همه اش مردها روی ذهن و فکر ما اثر بدارن؟ البته نمیدونم با این شرایط چقدر این چیزی که می‌گم بتونه عملی بشه."

ندا نیز از وضعیتی که زنان در آن درگیرند ناراضی است و گفته‌است:

"من زن بودم را توی خیلی چیزها مؤثر می‌دونم. چه توی محیط کاری و چه خانوادگی و یا خواسته‌هایی که می‌تونیم داشته باشیم و داریم. جراحی هم طبیعتاً ربط داره به زن بودنم. خوشگلی را در وهله اول از من انتظار دارن نه از مردها. من فکر می‌کنم مردها ارزششون راحت‌تر شناخته می‌شه و دنبالش هستن. اما ارزشهایی که یک زن داره ناشناخته است برای خود ما زنها. یک زندگی روتین و

معمولی. خب با این وضعیت طبیعی هست که منم اون طور که باید دنبال خیلی چیزایی که مردها هستن، نروم".

الناز که برای بار دوم جهت جراحی مجدد به مطب مراجعه نموده، از این وضعیت خسته شده است. وی با نارضایتی در پاسخ به سؤال محقق این گونه پاسخ داده است:

"واقعاً چون من دختر هستم خودمو درگیر این مسئله کردم. می‌خواستم بینی‌ام بهتر بشه. اما خیلی گرفتارش شدم. همه‌اش برمی‌گرده به دختر بودنمون. و آلاً اصلاً پسرها براشون اهمیت نداره این چیزها. ما زنهای بیچاره‌ایم که خودمون را هم درست نمی‌شناسیم. زنها از بس محدود شدن که فلان کار مال تو نیست و نمی‌تونی انجام بدی، اعتماد به نفسشون پایینه. برا همین به کارهای کوچک مشغولن".

به گفته‌ی برخی از مشارکت‌کنندگان، از آنجا که مردان در تعامل با زنان دارای رفتارهای ظاهرگرایانه‌اند، زنان نیز در تعامل با مردان این‌گونه علایق مردان را دنبال می‌کنند. در حقیقت این دنیای مردانه است که زیبایی را تعریف نموده است و زنان آنرا به اجرا در می‌آورند. فرخنده این موضوع را این‌گونه بیان داشته است:

"من خودم به شخصه خیلی از حرف‌ها و حرکات مردها تأثیر می‌پذیرم. ولی فکر نکنم پسرها این‌طور باشن. کلاً زنها بیشتر دنبال چیزهایی می‌رن که مردها دوست دارن. اگه امروز زن چاق مد بشه، چاق می‌شن، اگه لاغر، خودشونو مانکن می‌کنن. عادت کردیم به این کار. غیر از اینم نمی‌تونیم باشیم. چون باز یکسری مشکلات دیگه برامون درست می‌شه".

مهمین از بین مشارکت‌کنندگان متأهل نیز به ضعف خودباوری زنان اشاره داشته است:

"من می‌گم موقعی که شوهر یا پدرمون می‌گه چه بکن و چه نکن، بعد هم ظاهر من می‌تونه این‌قدر مهم باشه، بیشتر برای ما چی می‌مونه؟ الان وضعیت طوری هست که ما زنها خیلی از حق و حقوق خودمان اطلاعی نداریم. اینکه بتونیم زیباتر بشیم یک خواسته‌ی مهمه برامون".

این نظرها حاکی از آن است که زنان جامعه با انتظارات و ارزش‌هایی مواجه گشته‌اند که خواسته‌های آنان را به سمت ظاهرگرایی، جهت‌بخشیده است. به این معنی که حق و حقوقی را برای آنان تعریف کرده‌اند که توجه به ظاهر و دست‌کاری بدن را برای خویش مطلوب و یا ناگزیر می‌کند.

## ۵-۵- فشار رسانه‌ها

رسانه‌ها در دنیای امروز از طرق گوناگون رفتار استفاده‌کنندگان را تحت تأثیر قرار داده و در ذیل ویژگی انتخابی و گزینشی بودن، انسان‌ها را در معرض انتخاب‌های کثیری در طول روز قرار داده است. رسانه‌ها دارای این قدرت‌اند که از طریق تبلیغات و ارائه تصاویر و فیلم‌های گوناگون، استانداردهای زیبایی را به استفاده‌کنندگان از رسانه‌ها عرضه کنند.

از بین مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر ۷ نفر به فشار رسانه‌ها در اقدام به جراحی زیبایی اشاره کرده‌اند. مفاهیم به دست آمده در این باره شامل وسوسه‌زیباشدن، ایجاد عدم رضایت بدنی، تقلید، مقایسه و رقابت ظاهرگرایانه بوده است.

صحبت‌های ندا و فرخنده حاکی از ایجاد وسوسه‌زیباشدن و عدم رضایت بدنی آنان از گذار تماشای ماهواره بوده است. ندا در این باره می‌گوید:

"ما توی خونه ماهواره داریم. مدام روشن هست و شوها و فیلم‌ها را اغلب می‌بینیم. از وقتی که ماهواره اومده خیلی چیزها به نظرم عوض شده. مدل آرایش‌ها و موها و دکور خونه و خیلی چیزهای دیگه. درسته که مردم خیلی به ظاهر توجه دارن اما تبلیغات ماهواره خیلی اثر داره. الان که زن‌های زیبا و انواع مدل‌های شکیل را می‌بینی، دوست داری مثل اون‌ها باشی. از وقتی که ماهواره می‌دیدم خیلی بیشتر وسوسه می‌شدم که بینی‌ام را عمل کنم. واقعاً آدم عکس هنرپیشه‌ها را که می‌بینی از خودش نا امید می‌شه."

فرخنده از دیگر شرکت‌کنندگانی است که به نقش ماهواره اشاره داشته است. وی می‌گوید:

"حرف‌ها و نگاه‌های مردم یک طرف، ماهواره هم یک طرف. مدام داره زن‌های خوشگل را نشون می‌ده که با مردها هستن یا تبلیغاشون همه از زن‌های خوشگل استفاده شده. این هم روی من خیلی اثر گذاشته، آخه خیلی فکر می‌کردم که زشتم. همیشه فکر می‌کردم که چقدر می‌تونه روی پسرها اثر داشته باشه که دیگه زن معمولی راضی‌شون نمی‌کنه. تیپ و قیافه اونجوری می‌خوان. واقعاً آدم توی ماهواره اروپایی‌ها را می‌بینی که بینی ظریفی دارن، از ظاهر خودش ناراضی می‌شه."

می‌توان گفت با ایجاد وسوسه‌زیباشدن در نتیجه مشاهده تصاویر رسانه‌ای، فرد از بدن خویش رضایت کمتری می‌یابد و این به خصوص درباره زنان بیشتر اتفاق می‌افتد.

لیلا دیگر مشارکت‌کننده مجردی بوده که صحبت وی گویای فشار رسانه‌ها بر اقدام به جراحی بوده است. وی در این باره در خلال صحبت‌های خود می‌گوید:

"البته من چون یک مدت کار نداشتم بیشتر توی خونه وقتم را با تماشای ماهواره می‌گذروندم. برای همین می‌شد که گاهی خودم را با هنرپیشه‌ها مقایسه کنم. مثلاً وقتی هم که تصمیم داشتم جراحی کنم، خودم را مقایسه می‌کردم که ببینم دقیقاً بینی بعضی هنرپیشه‌ها چطوریه. واقعاً من موقعی که یک هنرپیشه زیبا می‌بینم لذت می‌برم."

اسماء نیز در صحبت نسبتاً مشابهی به نقش ماهواره در تصمیم خویش اشاره داشته. وی گفته است:

"ماهواره که تماشا می‌کنم با خودم فکر می‌کردم که آدم‌ها چقدر می‌تونن چهره خودشونو تغییر بدنند. مثلاً من بعضی هنرپیشه‌ها را چهرشون را بدون آرایش یا قبل از جراحی زیبایی دیدم که اصلاً خوشگل نبودن. اما تو فیلم‌ها می‌بینی چقدر زیبا هستن. خیلی شکل هنرپیشه‌ها و تبلیغ‌های ماهواره روی ذهن من خواه ناخواه اثر می‌داشت. الان مردم با دیدن تبلیغات ماهواره به دنبال مدل‌های مختلف و حتی مدل‌های روز بینی می‌رن."

مینا و سمانه از مشارکت‌کنندگان متأهل، در دو صحبت متفاوت به تأثیر ماهواره بر اقدام به جراحی خویش تأکید داشته‌اند. مینا در این باره می‌گوید:

"ما توی خونه ماهواره داریم، خودم زیاد ماهواره تماشا نمی‌کنم، چون حوصله‌اش را ندارم. اما شوهرم زیاد نگاه می‌کنه. از سر کار که برمی‌گرده پای ماهواره هست تا بخواد بخوابه. او راحت بعضی وقت‌ها به من می‌گه ببین فلان هنرپیشه را چه خوشگله یا اون یکی چطوریه. خب خیلی روی من اثر داشت حرفش. ماهواره کلاً روی مردها خیلی اثر داره. مردها این روزها با دیدن زن‌های ماهواره هوسشون زیاد می‌شه. از زن خودشون زیبایی بیشتری می‌خواهن. شوهرم که فقط منو نمی‌بینه. اون هر شب هزار جور چهره زن تو ماهواره از جلو چشمش می‌گذره. این منم که باید بیشتر مواظب باشم."

در واقع مردان از گذر وجود چنین رسانه‌ای، در محیطی که زنان پوششی دارند، هر چه بیشتر به زیبایی‌های در معرض نمایش گذارده شده زنان توجه می‌کنند و حریص می‌شوند.

و اما سمانه به اثرپذیری خویش از ماهواره اشاره داشته‌است. وی در این باره می‌گوید:

"من گفتم که خیلی توی بحر ظاهر بقیه زن‌ها می‌رفتم که فکر می‌کردم زیباییشون از من بیشتره. اما ماهواره هم که نگاه می‌کردم خیلی زن‌های خوشگل ماهواره برام جذابیت داشت. حالا که عمل کردم همه می‌گن که تو شبیه یکی از هنرپیشه‌ها شدی. خب کلاً زیبایی مهمه. اما ماهواره را هم که می‌دیدم بیشتر به فکر می‌افتادم. می‌دیدم که چطور همه چیز داره روی زیبایی می‌چرخه. این روزا دیگه زن‌ها در اینکه خودشون را شکل مدل‌های ماهواره‌ای در بیاورن، رقابت دارن."

به این ترتیب می‌توان گفت حضور رسانه‌ها و عملکرد سیستم سرمایه‌داری از این طریق زنان را مورد هجوم حراس هر چه بیشتر حرمت نفس به واسطه ظاهر بدنی خویش قرار داده‌است.

## ۵-۶- مقوله هسته: تصوّر بدنی دربرخورد با انتظارات موجود در مناسبات میان زنان و

### مردان

مقوله هسته در نتیجه فرایند کدگذاری انتخابی به دست می‌آید. این کدگذاری، محقق را در نزدیک شدن به خلق نظریه کمک می‌کند.

با اتصال، ترکیب و مقایسه و یکپارچه‌سازی مقوله‌های بدست آمده، مقوله هسته به دست آمد. این مقوله به دو نکته اساسی اشاره دارد. یکی انتظارات از زنان و دیگری انتظارات برآورده نشده‌ای است که زنان دارند.

مشارکت‌کننده‌ای که به کرات دریافته است انتظار درجه‌ای از زیبایی را از او دارند، سعی در پاسخ‌گویی به این انتظار دارد. از طرفی دیگر، این انتظار به موقعیت اجتماعی و شغلی وی و به طور کلی جایگاه اجتماعی که به عنوان زن در جامعه داراست، آمیخته است. جایگاهی که برای وی اقتناع‌کننده نیست و در جست و جوی جایگزین، مجدداً به همان راهی می‌رسد که گفته شد از زن انتظار می‌رود. چرا که بستر و شرایط مداخله‌گر، مهیای این جایگزین است.

زمینه را می‌توان شرایط فرهنگی حاکم دانست که در طی سالیان متمادی دارای عناصری رسوب یافته است و افراد در این بستر، تعاملات اجتماعی خویش را برقرار می‌کنند. بر حسب شواهد موجود دو ویژگی بستر فرهنگی مردسالاری و زمینه فرهنگی ظاهرگرایی در شکل‌دهی به تصور بدنی زنان بر جسته می‌نماید.

بستر موجود که در آن بر انتظارات متفاوت از زن و مرد تأکید می‌شود، زنان و مردان را به مشغله‌های متفاوت وا می‌دارد. فرکلاک (۱۹۸۹) معتقد است، گروه‌های اجتماعی برای کسب یا حفظ قدرت ناگزیرند همواره در نزاع باشند... زبان یکی از حیثه‌های تضاد است، زیرا گروه‌های اجتماعی می‌کوشند تا با کنترل زبان اعمال قدرت کنند و در این تضاد، کنترل زبانی پاداشی است برای گروه‌های فرادستی که زبان را در کنترل خود می‌گیرند" (فرلاک به نقل از پاک‌نهاد جبروتی، ۱۳۸۱: ۵۳).

گفته‌های مشارکت‌کنندگان مبنی بر خواست تسلیم‌گونه مردان از زنان و همچنین تصمیم‌گیری‌های شخصی مردان در زندگی، شاخص‌های حضور مرد و زن در یک بستر فرهنگی مردسالاری است که در مرد چنین توقعاتی را ایجاد کرده‌است.

دیگر زمینه فرهنگی که زنان را احاطه کرده‌است، بستر فرهنگی ظاهرگرایی است. در بستر فرهنگی ظاهرگرایی آنچه که در تعاملات بین افراد جلب توجه می‌کند و برای مردم قابل رقابت و حسرت‌آور خواهد بود، ظواهر زندگی است. موج ظاهرگرایی در جامعه خواه ناخواه افراد را به سمت خود کشانده است، افراد آنرا دنبال می‌کنند بی آنکه چرایی اقبال کننده برای آن داشته باشند. اشاره‌های مکرر مشارکت‌کنندگان به افزایش زیبایی ظاهر به انحای گوناگون، قرار گرفتن آنان در این بستر را نشان می‌دهد.

آهنگ تغییرات اجتماعی در این وضع که در ابعاد وسیع رخ داده، اقشار گوناگون و به خصوص سطح نیازها و روابط اجتماعی زنان را در نوردیده است. به طوری که امروزه زمینه مشارکت اجتماعی و اقتصادی برای زنان نسبت به گذشته تغییر یافته است. مشارکتی که در گذشته میسر نبود تا زنان در آن بستر، اظهار رضایت یا عدم رضایت را از موقعیت خود داشته باشند. اما امروزه برای زنان امکان کسب مشاغل غیرخانه‌داری به وجود آمده‌است. فراهم شدن چنین زمینه‌ای به طور طبیعی در انتظارات زنان تغییر ایجاد کرده و سبب شده است تا ضمن تلاش برای افزایش مشارکت اقتصادی و اجتماعی، وضعیت فعلی خود را مورد ارزیابی قرار دهند.

در هر بستر، شرایط مداخله‌گری وجود دارد که علاوه بر شرایط علی، در پیدایش پدیده مؤثر واقع می‌شود. شرایط مداخله‌گر باعث تخفیف یا تشدید پدیده‌ها می‌شوند. در این باره شرایط



مداخله‌گری موجود بوده که نقش مهمی در اتخاذ راهبردهای کنش/کنش متقابل مشارکت‌کنندگان درباره‌ی تصوّر بدنی داشته‌است.

با در نظر گرفتن گفته‌های شرکت‌کنندگان درباره‌ی انتظارات موجود مردان از زنان و انتظارات از خود و همچنین تأکید بر رهایی از فضای بی‌مشغله‌ای که به آن تأکید داشته‌اند، می‌توان قوانین و مقررات و به تبع آن تفکیک نامتعادل نقش‌ها را از شرایط مداخله‌گر در این باره دانست.

در بحث قوانین و مقررات دو محور قابل بحث یعنی حقوق و وظایف زن و مرد در مقایسه با یکدیگر، وجود دارد. با ارجاع به بعضی از آیات قرآن به عنوان مبنای ارجاع حقوق زن در دین اسلام، آیات متعددی که حاکی از تساوی حقوق زن و مرد است، به چشم می‌خورد. "خداوند شما را از یک نفس آفرید و هم از آن جفت او را خلق کرد"<sup>۱</sup>. همچنین ملاک برتری را نه در جنسیت، بلکه در تقوا و علم آموزی قرار داده است: "ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به قبیله و شعبه‌ها تقسیم کردیم تا با یکدیگر آشنا شوید و یکدیگر را بشناسید. همانا گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست"<sup>۲</sup>.

به این ترتیب آنچه که به تفاوت بین زن و مرد منجر شده و گاهی صراحتاً رجحان مرد بر زن را نشان می‌دهد، به حوزه‌ی وظایف و نقش‌هایی است که زن و مرد در جامعه دارند.

از جمله قوانین و مقرراتی که تفاوت جایگاه وظایف مرد و زن را نشان می‌دهد، حق نفقه زن از سوی مرد است. "در عقد نکاح دائم نفقه زن بر عهده شوهر است" (ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی). در کنار این قانون، آنرا مشروط به تمکین مرد از سوی زن کرده‌است. "وجوب نفقه زن بر دوش مرد، مشروط به تمکین کامل از سوی زن است" (ماده ۱۰۸۱۰۸ ق.م). "رابطه نفقه و تمکین مانند رابطه دو تعهد متقابل در عقود معاوضی است. طبیعی است که هرگاه یکی از دو طرف از اجرای تعهد خود امتناع کند، دیگری می‌تواند از ایفای به عهد سر بزند" (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۸۴). این قانون به نوبه خود در ایجاد انتظارات طرفین از یکدیگر نقش دارد. مرد را در جست و جوی کار و درآمد و زن را در جست و جوی وظیفه تمکین خویش قرار می‌دهد.

نکته دیگر درباره تفاوت مرد و زن، آنکه در کنار حق نفقه زن از سوی مرد، زن را مالک دارایی خویش کرده که می‌تواند آنرا از همسر خود دور یا مخفی نگه دارد. در (ماده ۱۱۱۸ ق.م) آمده‌است که "زن می‌تواند مستقلاً در دارایی خود هر تصرفی که بخواهد بنماید". در واقع بر این اساس از طرفی مرد مکلف است تمام حوائج ضروری زندگانی زن را فراهم نماید و از طرفی دیگر، زن با نداشتن مسئولیت در قبال تأمین ضرورت‌های زندگی، تنها موظف به تمکین مرد است. این تمایز بین جایگاه مرد است که در مرد دغدغه تأمین معاش و در زن دغدغه تمکین مرد را می‌نماید و به

<sup>۱</sup> - سورة نساء، آیه ۱  
<sup>۲</sup> - سورة حجرات، آیه ۱۳

این وسیله وظایف زن و مرد به دو حوزه جداگانه مرتبط می‌شود که از دید شرکت کنندگان نامتعادل است.

حق طلاق، دیگر تفاوت مطرح شده در قانون بین زن و مرد می‌باشد که به واسطه آن مرد می‌تواند تحت هر شرایطی زن را طلاق دهد. چرا که قانون، مرد را سرپرست خانواده می‌داند. "در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص مرد است" (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی).

تفاوت‌های مطرح شده درباره موقعیت و وظایف مرد و زن در برابر یکدیگر سبب می‌گردد تا از طرفی تفاوت انتظارات نسبت به یکدیگر ایجاد نماید و از طرف دیگر، در نتیجه تحولات در ورود زنان به صحنه اجتماعی و فعالیت اقتصادی، آن تفاوت‌ها به چالش کشیده شود. در پیوند تفاوت‌های مذکور، زن مسئولیت خود را محدود دانسته‌است و با اهمیت یافتن تمکین مرد و حق طلاق مرد، شیوه‌های ظاهرپردازانه را جهت برآوردن انتظارات مرد، برمی‌گزیند.

حق سرپرستی با مرد و حق طلاق نیز همانند حق نفقه و حق تمکین، به حیطة وظایف و نقش‌ها مربوط می‌شود و نه به حیطة حقوق. این ویژگی هاست که تفکیک نامتعادل نقش تعبیر شده و به عنوان یک عنصر مداخله‌گر تصور بدنی زنان را تحت تأثیر قرار داده است.

در کنار تفکیک نقش‌ها، خاستگاه اجتماعی و فرهنگی نیز مداخله‌گر بوده است. به طوری که صحبت‌گریز از بی‌مشغلی، عمدتاً توسط مشارکت‌کنندگانی مطرح می‌شد که یا دارای تحصیلات متوسطه و خانه‌دار و یا افراد غیر شاغل مجردی که در جست و جوی کار بودند. این خاستگاه اجتماعی و فرهنگی آنان را بر آن وا می‌دارد که در درک و تفسیر قوانین و مقررات و تفکیک نقش‌ها، ارزیابی منتقدانه‌ای را در پیش گیرند.

اشاره برخی از مشارکت‌کنندگان به اثرپذیری از تبلیغات و تصاویر ارائه شده از ماهواره در مورد زنان، دیگر عنصر مداخله‌گر در شکل‌گیری تصور بدنی آنان مورد مطالعه بوده است. رسانه‌ها (ماهواره) به عنوان عنصری مدرن به واسطه عملکرد خاص خود در قالب تبلیغات و نشان دادن تصاویر مهیج در خدمت نظام سرمایه‌داری است. این عنصر میل به افزایش زیبایی در زنان را از طریق تهییج آنان ایجاد می‌کند.

بر اساس شرایط علی و مداخله‌گر شرح داده شده، پدیده "تصور بدنی تحت تعامل انتظارات از زنان و انتظارات برآورده نشده آنان در مناسبات میان زن و مرد، با مداخله فشار رسانه‌ها" ظهور می‌یابد. این پدیده دلالت بر آن دارد که شکل‌گیری تصور بدنی زنان مورد مطالعه و به تبع آن اقدام به جراحی آنان تحت الشعاع حوزه انتظاراتی است که مردان از زنان دارند. این در حالی است که امکان حجم مشارکت اجتماعی زنان افزایش یافته است و در زنان نسبت به وضعیتی که در آن قرار

دارند، انتظارات برآورده نشده‌ای پدید آورده است. تعامل این دو در سایه حضور تبلیغات رسانه‌ای درباره ظاهر و بدن، آنان را به سمت انجام جراحی زیبایی سوق داده‌است.

از رهگذر شرایط مذکور زنان راهبردهای کنش/کنش متقابل خاصی در ارتباط با تصور بدنی اتخاذ می‌کنند که طبق پژوهش انجام شده عبارت‌اند از: ۱- اختصاص زمان طولانی بر تفکر درباره ظاهر خود ۲- اولویت دادن به ظاهر و زیبایی در تخصیص درآمدهای خود، ۳- دنبال کردن علایق ظاهرگرایانه مردان در زندگی روزمره ۴- گسترش رقابت در زمینه زیبایی ظاهر.

در واقع با نداشتن وظیفه در تأمین مخارج زندگی از سوی زن برخی از مشارکت کنندگان در راهبردهای کنش/کنش متقابل خویش، سرمایه تصور بدنی را افزایش داده و درآمدهای خویش را بیشتر صرف امور مربوط به ظاهر کرده‌اند.

در نتیجه اظهار بی‌مشغلی که عمدتاً زنان خانه‌دار و زنان در جست و جوی کار به آن اشاره داشته‌اند، زمان طولانی را بر تفکر درباره ظاهر خویش اختصاص می‌دادند. به طوری که اختصاص زمان طولانی تفکر درباره ظاهر، از طرفی درجه اهمیت شناختی به بدن را در روابط اجتماعی نشان می‌دهد و از طرفی دیگر در این مدت زمان طولانی به ارزیابی بدن و ظاهر (رضایت و عدم رضایت بدنی) مشغول می‌شوند.

سومین راهبرد کنش/کنش متقابل مشارکت کنندگان دنبال کردن علایق ظاهرگرایانه مردان در زندگی روزمره بوده‌است. این راهبرد کنش/کنش متقابل که ارزیابی تصور بدنی زنان را نشان می‌دهد، به این معنی است که آنان در ارزیابی بدن و ظاهر خویش به منبع علایق مردان مراجعه می‌کنند.

و اما رقابت‌های مربوط به زیبایی ظاهر در نتیجه استفاده از رسانه‌ها، بیش از پیش گسترش یافته‌است. درحیطه رقابت‌های انجام گرفته، افراد به ارزیابی بدن و ظاهر خویش پرداخته و زمینه اقدام به جراحی در آنان فراهم می‌شود.

پیامدهایی بر حسب آنچه که درباره شرایط علی، مداخله‌گر و راهبردهای کنش/کنش متقابل گفته شد، حاصل شده است: ضعف خودباوری، پیامدی است که برخی از مشارکت کنندگان در صحبت‌های خویش به آن اشاره داشته‌اند. به اعتقاد آنان با نوع انتظاراتی که از زن می‌رود و محدود کردن وظایف و مسئولیت‌های زنانه، اعتماد به نفس در بین زنان نیز در تصمیم‌گیری تضعیف می‌شود.

دومین پیامد حاصله، اقدام به جراحی زیبایی به عنوان جایگزین انتظارات برآورده نشده آنان است. با تأکید زنان بر سطح انتظارات از زن، اظهار مشغله‌یابی در فضای بی‌مشغله، انتظارات برآورده نشده در آنان را نمایان می‌سازد. زنان در واقع دارای انتظاراتی در جهت داشتن پایگاه اجتماعی مطلوب‌ترند که محقق نشدن آن، آنها را به سمت سرگرمی‌های ظاهرگرایانه و از جمله اقدام به جراحی زیبایی سوق داده‌است.

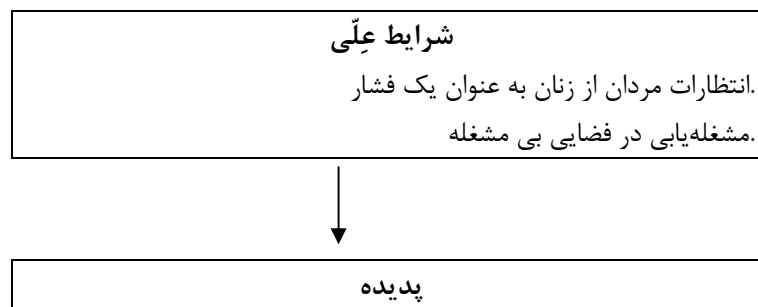
با انتظارات برآورده نشده‌ای که در زنان وجود دارد، احساس ناکامی در پیشرفت بر حسب امکانات پیش‌رو و عدم انگیزه رشد به وجود آمده. این امر دیگر پیامدی است که آنان را به سمت جراحی‌های زیبایی جهت داده‌است.

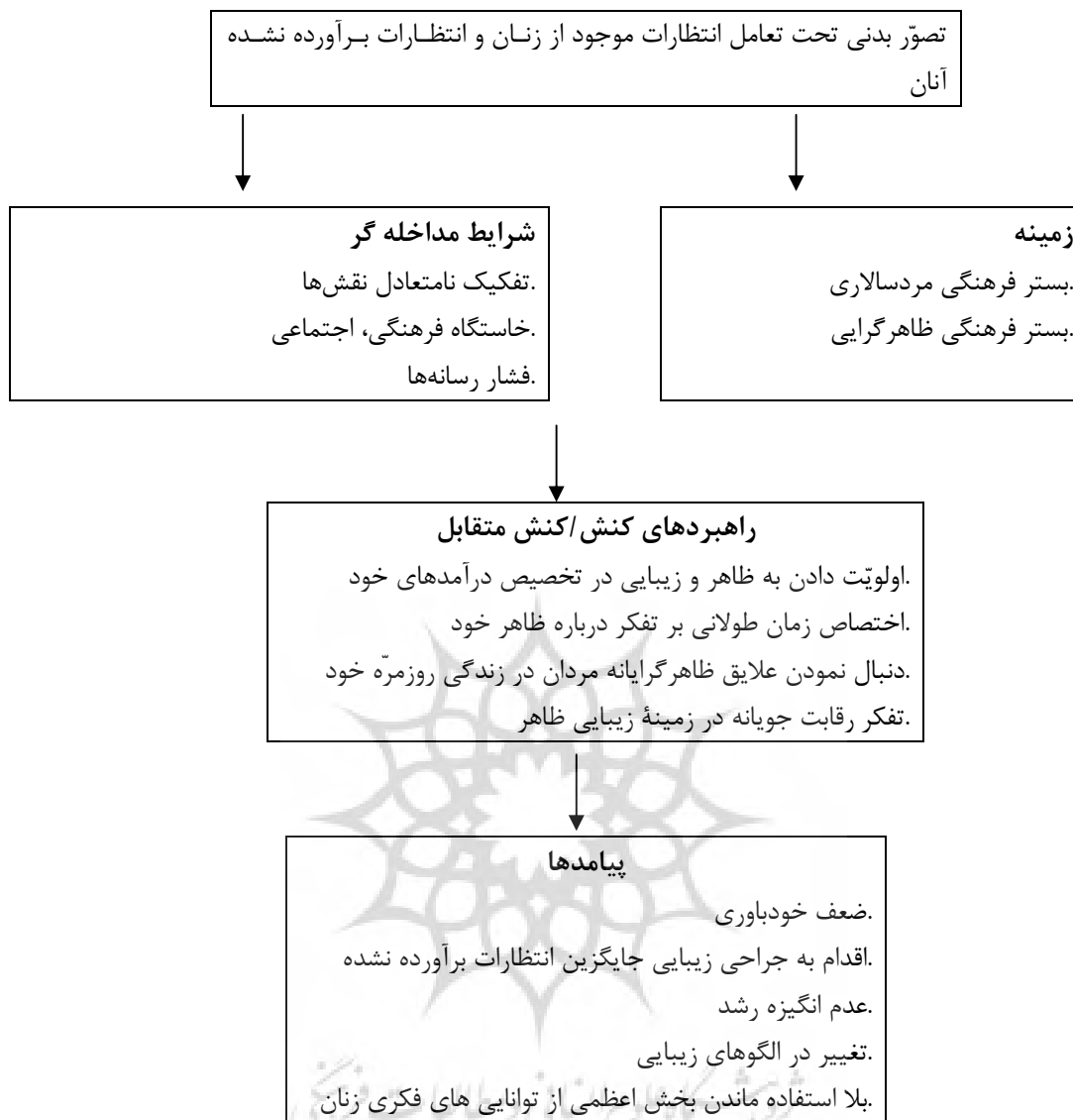
دیگر پیامد حاصله تغییر در الگوهای زیبایی از گذر فشار رسانه‌ها (ماهواره) است. به این صورت آنچه که به عنوان مثال در مورد شکل بینی زنان زیبا پنداشته می‌شود، از طریق تبلیغات رسانه‌ای به تصویر کشیده می‌شود و افراد به سمت آن هدایت می‌شوند.

برحسب آنچه که گفته شد، می‌توان بلا استفاده ماندن بخش اعظمی از توانایی‌های فکری زنان را مهم‌ترین پیامد حاصله برشمرد. با انتظارات ظاهرگرایانه از زنان و سطح انتظارات محدود از زنان، آنان به یک دنیای مملو از ظاهرگرایی درباره بدن و ظاهر خویش روی آورده‌اند. به طوری که توانایی فکری‌ای که می‌تواند در راه‌های گوناگون به شکوفایی برسد، مسدود می‌ماند. بر این اساس، آنان به یک قشر مصرفی تبدیل می‌شوند که در توسعه جامعه نمی‌توانند کارآمدی لازم را داشته‌باشند.



### مدل پارادایمی: تعامل انتظارات از زنان و انتظارات برآورده نشده آنان





## ۶- نظریه مبنایی پژوهش

نظریه زمینه‌ای نظریه‌ایست که از داده‌ها نشأت می‌گیرد. داده‌هایی که به طور نظام‌مندی جمع‌آوری و طی فرایند تحقیق تجزیه و تحلیل می‌شود (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۹۶). موضوع انتظارات در روابط سطح خرد افراد می‌تواند با تنگنانهایی همراه باشد و یا روابط را در جهت رضایت دوجانبه افراد تسهیل کند. بر حسب شواهد به دست آمده از مصاحبه‌های انجام گرفته با مشارکت‌کنندگان موضوع انتظارات در مناسبات میان مرد و زن، با تنگنانهایی مواجه است. این تنگناها شامل نوع انتظارات مردان از زنان و نوعی از انتظارات زنان است که اظهار می‌دارند

برآورده نشده‌است. این تنگناها به صورت شرایط علی و مداخله‌گر بوده که تصور بدنی مشارکت‌کنندگان را تحت الشعاع قرار داده‌است. اما اعتقاد به حضور چنین تنگناهایی از سوی زنان بر حسب منابع حالات انتظاری است که روابط را بر اساس آن مورد ارزیابی قرار می‌دهند. می‌توان گفت ارزیابی از عدالت و تساوی و فعال‌سازی تفاوت در قدرت و اعتبار بین زنان و مردان، اعتقاد به تخصیص پاداش‌های مادی و سمبولیک، منابع شکل‌گیری حالات انتظار در زنان دربارهٔ موقعیت فعلی خویش بوده‌است. آنان با اظهار نارضایتی از وضعیت فعلی و ابراز بی‌مشغلی در طی روز، توجه به ظاهر و بدن را راه‌هایی از این تنگنا اعلام داشته‌اند.

مکانیسم منابع حالات انتظار در به وجود آمدن این تنگناها این‌گونه عمل می‌کند که با نوع انتظارات ظاهرگرایانهٔ مردان از زنان، زنان یک ارزیابی از عدالت و تساوی می‌کنند. با این ارزیابی زنان خود را در موقعیت نابرابر با مرد می‌بینند.

تفکیک نامتعادل نقش‌ها به عنوان شرایط مداخله‌گر در مناسبات میان زن و مرد بود که با فعال شدن منابع حالات انتظار، تصور بدنی زنان را تحت تأثیر قرار داده‌است. در این حالت است که زنان به تفاوت‌های موجود در قدرت و اعتبار به عنوان یکی از منابع حالات انتظار معتقد شده‌اند. بر اساس مصاحبه‌های انجام گرفته، تفکیک نقش‌ها به گونه‌ای بوده که سبب سلب مسئولیت از زن و محدودیت نقش‌های زنانه شده‌است. همچنین آن نقش‌ها ارضا کنندهٔ تمایلات درونی زنان نبوده و به واسطهٔ آن، به سمت تمرکز بر بدن متمایل شده‌اند.

نقش‌های ابزاری و بیانی هر دو در بقای زندگی خانوادگی نقش به‌سزایی داشته‌است، به گونه‌ای که فقدان یکی به زندگی خانوادگی لطمه می‌زند. اما آنچه که مشارکت‌کنندگان در بحث تفکیک نقش‌ها اظهار داشته‌اند، محدود بودن نقش‌ها و مسئولیت‌های زنان در برابر مردان است. به عبارت دیگر، در پدید آمدن حالات انتظار، آنان به منبع فعال شدن تفاوت‌های موجود در قدرت و اعتبار ارجاع داده‌اند و در نتیجه قائل به وجود نابرابری بین خویش و مردان شده‌اند. عدم توازن ادراک شده، این تصور را ایجاد نموده که زن در حیات اجتماعی، جایگاه پایین‌تری داشته‌است و در نتیجه مشغله‌های ذهنی وی متفاوت از مرد می‌شود. به طوری که آنان نقش خانه‌داری را برای خویش به مثابهٔ موجود اجتماعی ناکافی می‌دانند.

همچنین در حالات انتظار موجود، زن وابسته به دنیای مردانه شده‌است و به دنبال تلاش برای انطباق با خواسته‌های اوست. زن خود را در وادی ضرورت توجه به ظاهر خویش برای مرد می‌یابد و سعی می‌کند تا خود را با خواست موجود هم‌نوا سازد. با این ارزیابی است که زنان خود را از دریچهٔ دید مردان تعریف می‌کنند و سلیق و نظرات مردان برای آنان با اهمیت می‌شود.

با اعتقاد به تفکیک نامتعادل نقش‌ها، دیگر منبع حالات انتظار یعنی اذعان به تخصیص پاداش‌های مادی سمبولیک به مرد شکل گرفته است. بنا به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان قوانین و مقرراتی که مسئولیت‌های زندگی را از دوش زن برداشته‌است و فعالیت اقتصادی و اجتماعی را از نوع غیر تکلیفی برای زن برشمرده، سبب شده است تا زنان نقش‌ها و حقوق خود را محدود شده بپندارند. خود را از طرفی منطبق با خواست ظاهرگرایانه مردان کنند و از طرفی دیگر، حالتی از انتظارات برآورده نشده برای آنان به وجود آمده و در نتیجه مشغله‌یابی در فضایی بی‌مشغله را با تکیه بر ظاهر برگزینند.

زنی که به دنبال گریز از بیکاری و بلا تکلیفی بوده و در جست و جوی سرگرمی، در اوقات شبانه‌روزی خود است، زندگی را افسرده کننده و کسالت‌آور دانسته، به طوری که این شرایط در فرد موضع گیری ایجاد نموده‌است. در نتیجه او با مشغله‌یابی در فضایی بی‌مشغله، تصوّر بدنی خویش را مورد خودمهاری قرار داده‌است. زن پاداش‌های مادی و سمبولیک را از آن مرد دانسته و با ایجاد احساس انتظارات برآورده نشده در وی، زیباتر شدن را مانند پاداش برای خود به عنوان جایگزین برمی‌گزیند.

در این جریان کنترل‌کنندگی و خودمهاری زن، خاستگاه فرهنگی و اجتماعی به عنوان دیگر عنصر مداخله‌گر، ایفاگر نقش بوده است. به این صورت که زنان متأهل خانه‌دار و دارای تحصیلات دیپلم یا فوق دیپلم، مشغله‌یابی در فضایی بی‌مشغله را جست و جو کرده‌اند. به علاوه زنان شاغل<sup>۱</sup> به اولویت دادن به خواسته‌های خود و مخصوصاً زیبایی ظاهر در تخصیص درآمدها تأکید داشته‌اند. همچنین زنان غیرشاغل بر نداشتن مسئولیت و رهایی از یکنواختی تأکید داشته‌اند.

حضور شرایط علی و مداخله‌گر مرتبط با حوزه انتظارات در مناسبات میان زن و مرد، به تنهایی زنان را به سمت پیدایش نوع تصوّر بدنی ویژه سوق نمی‌دهد، بلکه در این فضا، آنان متأثر از ویژگی مدرنیته قرار می‌گیرند. این ویژگی مدرنیته همان استفاده از رسانه‌ها (ماهواره) است که با ورود به این موج جدید، به عنوان فشار رسانه‌ها در مورد شکل‌گیری تصوّر بدنی زنان تعبیر می‌شود.

در قالب رسانه‌ها بدن زن به کالایی نمایشی و البته جنسی بدل شده که هر روز برای مصرف کنندگانش می‌بایست جذاب‌تر شود. تصویری که ماهواره از زن ارائه می‌دهد، تصویر زنی جوان و زیبا و با اندامی متناسب است. این زنانی که به عنوان ابزاری توسط نگهبانان رسانه (سیستم سرمایه‌داری) به خدمت گرفته شده‌اند، به این شغل مبادرت ورزیده‌اند که با حضور در رسانه (ماهواره) پیامی را به بیننده القا می‌نماید. این در حالی است که اغلب زنان در بطن زندگی روزمره

<sup>۱</sup> . مشارکت‌کنندگان شاغل در شغل‌هایی نظیر منشی مطب یا شرکت، آرایشگری، فروشنده‌گی در مغازه، ماما، مربی مهدکودک و دو نفر فرهنگی مشغول فعالیت بوده‌اند.

معمولی، کمتر فاقد چنین ویژگی‌هایی‌اند. در این حالت سیستم سرمایه‌داری کالاهایی را جهت فروش و عرضه بر این زنان و دست یافتن به زیبایی از طرق گوناگون به نمایش می‌گذارد. با این رویکرد که جوانی و زیبایی اموری موروثی نیستند، بلکه ویژگی‌های ساختنی‌اند و در صورتی که فرد فاقد آن باشد، می‌تواند آن را به دست آورد، که از این جمله جراحی‌های زیبایی‌اند.

با عنوان کردن "در جست و جوی سرگرمی بودن"، "رهايي از افسردگي" و يا تلاش در كسب موفقيت‌ها به واسطه ارزش زیبایی، رسانه برای آنان نقش هدایت کننده را ایفا کرده‌است. رسانه‌ها به آنان راه را نشان داده است، آنان را هدایت کند که چگونه بر این امور فائق آیند.

حضور چنین شرایطی منجر به اثرگذاری بر دو بعد سرمایه تصور بدنی و ارزیابی تصور بدنی شده است. به واسطه خواست ظاهرگرایانه مردان، سرمایه تصور بدنی بالا رفته، تفکیک نقش‌ها و مشغله‌یابی در فضایی بی‌مشغله نیز به افزایش سرمایه تصور بدنی کمک نموده و عدم رضایت بدنی زنان را موجب می‌گردد. همچنین فشار رسانه‌ها (ماهواره) با نمایش زنان زیبا، عدم رضایت از ظاهر زنان را ایجاد کرده و آنان را به سمت توجه به ظاهر و بدن خویش هدایت می‌کند. آنان در جست‌وجوی سرگرمی و جهت‌گریز از بلا تکلیفی و همچنین پاسخ به خواست مردان، تصور بدنی ظاهرگرایانه‌ای یافته‌اند که اقدام به جراحی را در نتیجه آن برگزیده‌اند. در این بین رسانه (ماهواره) به مدد این ظاهرگرایی شتافته‌است.

با تفکیک نقش، مشارکت‌کنندگان اظهار داشته‌اند که مجال برای پروراندن استعدادهای درونی کمتر پیش آمده و لذا موجب بلا استفاده ماندن بخش اعظمی از توانایی‌های فکری زنان به عنوان یک پیامد انتظارات از زنان شده‌است.

در نهایت نظریه مبنايي پژوهش حاضر با پی‌بردن به تنگناهای انتظارات در مناسبات میان زن و مرد، به ارائه ۳ قضیه و مدل نظری در این‌باره ختم می‌شود:

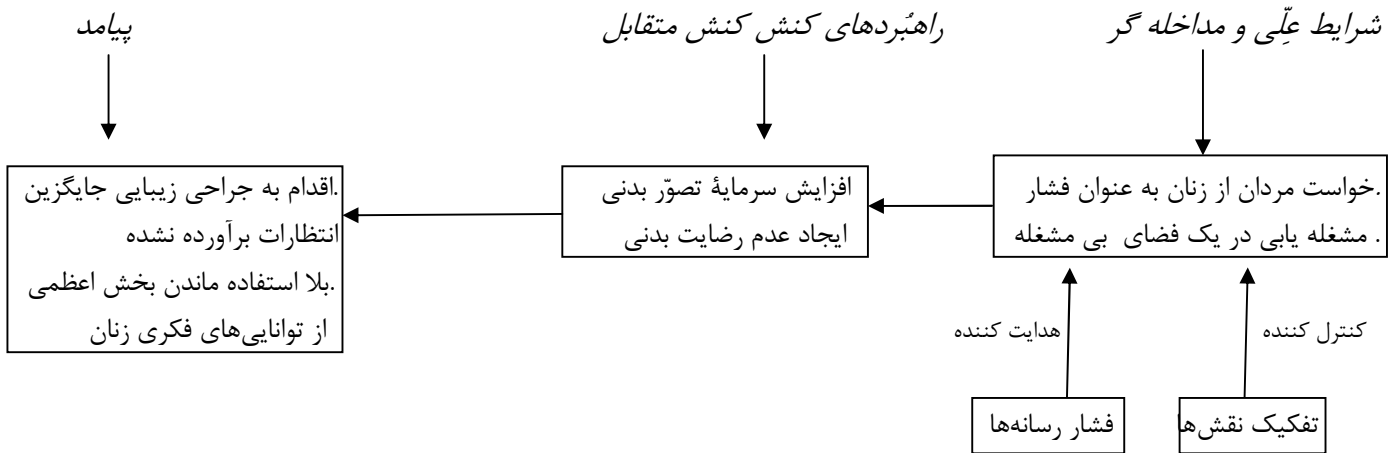
۱- در نتیجه تفکیک نامتعادل نقش‌های جنسیتی که تابعی است از قوانین و مقررات موجود در جامعه، انتظارات ظاهرگرایانه مردان از زنان پدید آمده‌است و به عنوان یک کنترل بیرونی، دست‌کاری بدن و ظاهر زن را موجب می‌شود.

۲- تفکیک نامتعادل نقش‌های جنسیتی و انتظارات ظاهرگرایانه مردان از زنان، فضایی از انتظارات برآورده نشده برای زنان ایجاد کرده‌است که زن با خودمباری، مشغله‌یابی در فضایی بی‌مشغله از طریق دست‌کاری بدن و ظاهر خویش، برمی‌گزیند.

۳- با مشغله‌یابی در فضایی بی‌مشغله، استفاده از رسانه‌ها (ماهواره) نقش هدایت‌گر در دست‌کاری بدن و ظاهر زنان دارد.



## مدل نظری نهایی



### ۷- پیشنهاد پژوهش حاضر

از آنجا که بسیاری از مشارکت کنندگان دید مردان را نسبت به خود اهمیت می‌دادند، لازم است تا از طریق آموزش، تحول در نگرش مردان ایجاد شود. چرا که نوع نگرش مردان می‌تواند تصوّر بدنی زنان را تحت الشعاع قرار دهد. بدین وسیله، نقش ظاهر در حدّ معقول و نه افراطی آن در روابط جای می‌گیرد. به عبارتی دیگر، حال که مردان یک دگري مؤثر برای زنان به شمار می‌آیند، تحول در تصوّر مردان درباره زنان، تحول در تصوّر بدنی زنان را به بار می‌آورد.

### منابع

- اتکینسون، ریتا ال و ریچاردس اتکینسون (۱۳۸۰). *زمینه روان‌شناسی هیلیگارد*، ترجمه محمد تقی براهنی و سعید شاملو، تهران: انتشارات رشد.
- آقایاری، سحر (۱۳۸۴). *بررسی جامعه‌شناختی آرایش و جراحی های زیبایی شهر تهران*. پایان نامه ارائه شده برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: توکل.
- پاک نهاد جبروتی، مریم (۱۳۸۱). *فردستی و فرودستی در زبان*. تهران: گام نو.
- ساروی، علمدار و میرفرهاد قلعه بندی (۱۳۸۳). *ویژگی های شخصیتی داوطلبان انجام دادن جراحی زیبایی*. مجله اندیشه و رفتار، سال نهم، شماره ۴.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳). *دختران جوان و تصویر ذهنی از بدن*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۲). *دختران جوان و دغدغه تناسب اندام*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان.
- قانون مدنی (۱۳۸۱). *تدوین جهانگیر منصور*. تهران: نشر دیدار.

فرزانه، حمیده (۱۳۸۵). "زنان و فرهنگ بدن، عوامل مؤثر بر گرایش به جراحی زیبایی". پایان نامه ارائه شده جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ذکایی، دانشگاه تهران.  
کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸). حقوق مدنی خانواده، نکاح و طلاق. تهران: انتشارات بهنشر. جلد اول.  
عسکری، فاطمه (۱۳۸۵). زیبایی به شرط چاقو. روزنامه سرمایه، تاریخ: ۱۳۸۵/۴/۱۳.

Baker-Pitts, C. (۲۰۰۸). "Symptom or Solution? The Relational Meaning of Cosmetic Surgery For Women". *A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy*. New York University School of Social Work.

Cash, T. F. & T. Pruzinsky (EDS) (۲۰۰۲). *Body Image: A Handbook of Theory, Research and Clinical Practice*. New York: Guilford Press.

Glaser, B. G & A, Strauss. (۱۹۶۷). *Discovery of Grounded Theory, Strategies for Qualitative Research*. London: Weidenfeld and Nicolson.

Grogan, S. (۲۰۰۶). "Body Image and Health, Contemporary Perspective". *Journal of Health Psychology*. Vol. ۱۱, No. ۴, pp. ۵۳۰-۵۳۳.

Jean, F. (۲۰۰۰). "A Qualitative Study of Body Image in Lesbian Women". *A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy*. University of Illinois at Urbana-Champaign.

Nettelton, S. (۱۹۹۸). *Body in Everyday Life*. London & New York: Routledge.

Luo, W. (۲۰۰۸). "Aching For The Modern Body: Chinese Women's Consumption of Cosmetic Surgery". *A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy*. Department of Communication. University of Utah.

Turner, J. H. (۱۹۹۸). *The Structure of Sociological Theory*. London: Wadworth Publishing Company.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی